

۱۲۸۴.۹۳

در کوی دوست

(سفرنامه‌ای واکاوانه از حج)

نویسنده:

سید محمد جعفر ناظم‌السادات

استاد دانشمندی کشاورزی دانشگاه شیراز

دوست جای دیگر و من مانده‌ام در کوی دوست
کز در و دیوار کوی دوست آید بوی دوست

انتشارات نوید شیراز



سرشناسه	ناظم السادات، سید محمد جعفر
عنوان و نام پدیدآور	در کوی دوست (سفرنامه‌ای واکاوانه از حج) / سید محمد جعفر ناظم السادات.
مشخصات نشر	شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۴۰ ص: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۰۸۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	واژه نامه
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۳۹.
موضوع	ناظم السادات، سید محمد جعفر. - خاطرات
موضوع	حج -- خاطرات
موضوع	سفرنامه‌ها
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ ۲۵۴ ن/ BP۱۸۸/۸
رده بندی دیویی	۲۹۷/۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۴۱۶۳۸



در کوی دوست

(سفرنامه‌ای واکاوانه از حج)

نویسنده: سید محمد جعفر ناظم السادات

Jafar@shirazu.ac.ir

طرح جلد: شهاب شبان □ لیتوگرافی و چاپ: واصف □ تیراز: ۱۵۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۴ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۳۲۲۲۶۶۶۱ ۳۲۲۲۹۶۷۶ نمابر ۷۱-۳۲۲۲۹۶۷۶

دفتر تهران - تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۲۱-۸۸۹۲۱۵۲۲

پست الکترونیکی: Navideshiraz.Pub@Gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۰۸۸-۲ ISBN: 978-600-192-088-2

۱۱۵۰۰ تومان

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برگزید

إِنَّ أَوَّلَ نَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لِلَّهِ بَيْتَهُ مَبْنًى وَمَا وَهَدَىٰ لِلْعَلَمِينَ (۹۶)
آل عمران

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) بنا شده شد، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پربرکت، و مایه‌ی هدایت جهانیان است

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷)
آل عمران

در آن نشانه‌های روشن است (از جمله) مقام ابراهیم، و هر کس داخل آن شود در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه‌ی (او) کنند، آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر بورزد (و حج را ترک کند به خود زیان رسانیده) خداوند از همه‌ی جهانیان بی‌نیاز است.

(آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۹)

در چند سالی که در چاپ این نوشتار درنگ شد، دوست و همسفر دانشمندم شادروان
پرفسور سیف الله امین چشم از جهان فرو بست و به خدا پیوست. خوانندگان گرامی
می توانند به گوشه ای از ژرفای دانش و بینش دینی او در این کتاب آشنا گردند.
افسوس که نمی توانم در دانشگاه و سفرهای دیگر از همراهی این دوست فرزانه
برخوردار گردم.

از خداوند بزرگ برای این یار سفر کرده آمرزش و برای همسر و فرزندان
ارزشمندش، شکیبایی و خوشبختی را آرزو مندم.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۱	 پیش از سفر
۱۳	 پنج‌شنبه ۱۳۹۸/۹/۱ (۱۸ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۱۸	 جمعه ۱۳۹۸/۹/۶ (۱۹ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۲۳	 شنبه ۱۳۹۸/۹/۱۰ (۲۰ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۳۰	 یکشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۱ (۲۱ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۳۷	 دوشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۲ (۲۲ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۴۱	 سه‌شنبه ۱۳۹۸/۹/۱۳ (۲۳ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۴۶	 جستاری در باره‌ی نوسازی در عربستان سعودی
۴۸	 چهارشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۴ (۲۴ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۵۳	 پنجشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۵ (۲۵ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۵۴	 جمعه ۱۳۹۸/۹/۱۶ (۲۶ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۶۰	 گرایش ایرانی‌ها به خاندان پیامبر
۶۲	 شنبه ۱۳۹۸/۹/۱۷ (۲۷ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۶۶	 آزموده‌هایی از سنگاپور برای دانش‌افزایی جوانان و به‌کارگیری آنها
۶۹	 یکشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۸ (۲۸ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۷۵	 دوشنبه ۱۳۹۸/۹/۱۹ (۲۹ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۸۵	 یک یادمانه (خاطره) از جنگ اعراب و اسرائیل
۸۸	 سه‌شنبه ۱۳۹۸/۹/۲۰ (۳۰ ذی‌قعدةی ۱۴۲۸)
۹۰	 چهارشنبه ۱۳۹۸/۹/۲۱ (۱ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۹۳	 پنج‌شنبه ۱۳۹۸/۹/۲۲ (۲ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۹۶	 آدینه ۱۳۹۸/۹/۲۳ (۳ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۰۰	 شنبه ۱۳۹۸/۹/۲۴ (۴ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۰۳	 یکشنبه ۱۳۹۸/۹/۲۵ (۵ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۰۹	 یک انگاره‌ی آبادانی (طرح عمرانی) برای کلان‌شهرها

۱۱۲	پندها و هشدارهایی در باره‌ی گفت‌وگو با مصطفی
۱۲۰	دوشنبه ۸۶/۹/۲۶ (۶ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸/۱۲/۸)
۱۲۳	سه‌شنبه ۸۶/۹/۲۷ (۷ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۲۹	چهارشنبه ۸۶/۹/۲۸ (۸ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۳۹	پیامی از منا درباره‌ی آبادانی ارسنجان و ایران
۱۴۱	جستاری درباره‌ی آموزش دینی فرزندان
۱۴۳	پنج‌شنبه ۸۶/۹/۲۹ (۹ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۴۸	نیاز به نگرش‌های پولی در حج
۱۵۰	گوسفند قربانی و وابستگی به دیگران
۱۵۳	آدینه ۸۶/۹/۳۰ (۱۰ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۶۲	شنبه ۸۶/۱۰/۱ (۱۱ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۶۷	نخستین یا مانه (نظره)، از دوران کودکی
۱۷۰	دومین یادمانه، از دوران دانش‌جویی
۱۷۳	یک‌شنبه ۸۶/۱۰/۲ (۱۲ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۸۰	دوشنبه ۸۶/۱۰/۳ (۱۳ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸) (بازدید از جده)
۱۸۵	یادی از جایگاه زبان فارسی در هند و پاکستان
۱۹۰	بهینه‌سازی در آموزش زبان فارسی و عربی
۱۹۲	سه‌شنبه ۸۶/۱۰/۴ (۱۴ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۱۹۷	گذری از احرام به تن‌پوش‌های بومی ایران
۲۰۰	چهارشنبه ۸۶/۱۰/۵ (۱۵ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۲۰۶	پنج‌شنبه ۸۶/۱۰/۶ (۱۶ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۲۱۱	آدینه ۸۶/۱۰/۷ (۱۷ ذی‌حجه‌ی ۱۴۲۸)
۲۳۵	کتابنامه

پیش‌گفتار

بر پایه‌ی آیات روشن قرآن کریم، حج از ستون‌های دین اسلام است و هر مرد و یا زن تن‌درست و توانگر مسلمان، باید در دوران زندگی خود یک بار به مکه رود و آیین حج را به جا آورد. از این روی، در سال ۱۳۸۱، بایسته دیدم که برای انجام این فرمان پروردگار، با واریز کردن بیست میلیون ریال به حساب ویژه‌ی حج بانک ملی ایران، برای خود و همسر نام‌نویسی کنم.

بیش از هر کس دیگر، مادرم مرا به شتاب در رفتن به حج ترغیب و بگيخت و بسیار دوست داشت که، هر چه زودتر، راهی این سفر شوم. از این‌که توانستم این خواسته‌ی مادرم را در دوران زندگی او برآورده کنم، خداوند بزرگ را سپاس‌گزارم. مادرم در کودکی خود، دوران سختی را گذرانیده و برای پرورش فرزندانش رنج فراوانی برده و نقش بسیاری در پرورش و آرامش روانم داشته است. خدا کمک کند تا بتوانم اندکی از مهربانی‌هایش را پاسخ‌گو باشم.

این نوشتار، سفرنامه‌ای است که برخی از دیدگاه‌های اجتماعی-اقتصادی نگارنده را نیز در بر دارد. نویسنده کوشیده است تا افزون بر یادداشت رخداد‌های سفر، با مردمانی از دیگر کشورها گفت و گو کند و دیدگاه‌های خود را درباره‌ی بسیاری از دیدگاه‌ها و شنیده‌ها بنویسد. روشن است که، مانند هر نوشته‌ی دیگر، این نوشتار و دیدگاه‌های گفته شده در آن دارای کاستی‌های فراوانی است. با این همه، از خدا می‌خواهم که خوانندگان گرامی، خوبی‌ها و

برتری‌های آن را بیشتر از کمبودها بیابند. از این روی، خرده‌گیری (انتقاد) خوانندگان، گرمی داشته می‌شود تا به یاری خدا، در چاپ‌های پس از این، کمبودهای آن کمتر شود. کوشش شده تا می‌شود و به درک خواننده زبانی نمی‌رسد، در نوشتن این کتاب واژه‌های فارسی به کار گرفته شود. برای آسانی کار خوانندگان و آشنا شدن هر چه بیشتر آنان با واژه‌های فارسی، هر دو واژه با ریشه فارسی و عربی (و گاهی انگلیسی) در این نوشتار دیده می‌شود. در چنین هنگامی، واژه‌ای که ریشه‌اش فارسی نیست درون کمانه (پرانتز) جای گرفت.

برخی از بزرگان بر این باورند که، چستی (ماهیت) زبان پویایی آن است. در این پویایی، هر زبانی شماری واژه را وام می‌گیرد و واژه‌هایی را وام می‌دهد و این داد و ستد فرهنگی جان نگرانی ندارد. آنها می‌گویند، به کارگیری واژه‌های ناب فارسی در نوشتارها و گفتارها، نه نیاز است، نه شدنی است و نه باید بر روی آن پافشاری کرد. بر پایه‌ی این باور، هنگامی که فارسی زبان‌ها واژه‌های بیگانه را، چند بار به کار بردند و درک کردند، گویی این واژه فارسی شده است و باید بدون نگرانی آن را به کار گرفت. نگارنده این رهنمون (دلیل) را نمی‌پذیرد و بر این باور است که، داد و ستد واژه‌ها هنگامی پذیرفتنی است که شمار واژه‌های گرفته شده و وام داده شده، هم سنگ باشد.

افسوس که در این هنگامه، که صدها سال است که روز از سوی رسانه‌ها پخش می‌شود، زبان فارسی تنها پذیرنده واژه است و ندیده‌ام که شماری واژه از فارسی به عربی یا انگلیسی راه یافته باشد. روند پیوسته وام‌گیری واژه‌ها، که همراه ورود اهسته واژه‌های بومی است، زبان فارسی را کم‌کم از درون تهی می‌کند. بنابراین، بر این باورم که با جانی که شدنی است، باید واژه‌های فارسی و فارسی نویسی را به کار گرفت و آن‌ها را زنده نگاه داشت. از دیدگاه بسیاری از دانشمندان بزرگ جامعه‌شناسی، پاسداری از زبان و گویش‌های گوناگون، یکی از ابزارهای پیشرفت فرهنگی جهان می‌باشد و نقش پررنگی در بهبود روان و درون انسان‌ها دارد. از این روی، شایسته است که رسانه‌های گروهی ما، با به کارگیری واژه‌های فارسی این زبان را از گزند تهی شدن از درون برهاند تا تاریخ و اندیشه مردم ایران نیز زنده بماند.

این نوشته به نگارنده آموخت که زبان فارسی توانایی بالایی برای نگارش جُستارها در زمینه‌های گوناگون دانشورانه (علمی)، داستانی و سفرنامه دارد و نیاز چندانی به وام‌گرفتن واژه‌های دیگر زبان‌ها نیست. نویسندگان و گویندگان ما برای آشنایی با فارسی نویسی نیازمند بردباری بیشتر و خوگیری با کاربرد واژه‌های فارسی هستند.

از پروردگار بزرگ خواهیم که کاربرد واژه‌های فارسی را کاری خدایستدانه و در راستای گسترش فرهنگ و زبان مردم خداجوی ایران، پذیرا باشد. هم‌چنین از خدا می‌خواهم که پیام‌های این نوشتار را که از دل برآمده است، بر دل‌های خوانندگان، حج‌روندگان و نیز دوست‌داران فرهنگ و زبان فارسی بنشاند. امید آن دارم که بزرگان زبان فارسی این اندک کوشش را، از سوی کسی که در کار آموزش این زبان نیست ولیک دوستدار آن است، پذیرا باشند و با بزرگ منشی از کاستی‌های آن بگذرند.

چشم‌داشت نگارنده از دانشگاه شیراز (در سال ۱۳۸۸) آن بود که چاپ و پخش این نگارش را، که در پیوند با زندگی و آیین مردم ایران است، پشتیبانی کند. افسوس که این‌گونه نبود. بدستم این است که، شماری از دست‌اندرکاران چنان در تار و پود آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها گیر افتادند، ده‌ها هزینه‌های کلان راه‌اندازی دانشگاه تا اندازه‌ای فراموش شده است. بر این باورم که اگر اسناد کشید تا آزموده‌هایش از پدیده‌ای فراگیر مانند حج را به دیگران برساند، دانشگاه باید به‌گونه‌ای باشد که از آن پشتیبانی کند. کوشش نگارنده بر آن بوده است که روش کارآمدتری از نگارش آیین را پیش روی هم‌میهنان خود بگذارد و این تلاش‌ها نباید با بی‌مهری دستگاه‌های فکرمگاز کشور روبرو گردد.

چون رشته‌ی تحصیلی و آموزشی نگارنده سواد آینی است، گفته شد که این نگارش در دامن‌های کاری علوم انسانی است و چاپ کتاب هیچ‌گونه ارزش دانشگاهی را برای نگارنده در پی ندارد. پاسخ این بود که، اگر خداوند پذیرا باشد، این کار را برای به انجام رسانیده‌ام و چشم‌داشتی از این‌گونه ارزش‌گذاری‌ها ندارم. تنها چشم‌داشتم آن بود که این نگارش از سوی دانشگاهیان داوری شود تا خوبی‌ها و بدی‌های آن را به نگارنده گوشزد نه بدی‌ها و بدی‌های چاپ نیز تا اندازه‌ای از کمک دانشگاه بهره‌مند شوم. پس از نامه نگاری‌ها و گفت‌وگوها، بدستم آمد که چون این کتاب بر پایه‌ی سرفصل‌آموزه‌های (دروس) دانشگاهی نیست از هیچ‌گونه کمکی برخوردار نمی‌شود. به دیگر سخن، تنها کتاب‌هایی از سوی دانشگاه داوری و پشتیبانی پولی می‌شوند که بخش بزرگی از آن‌ها سرفصل‌های آموزشی دانشجویان را پوشش دهد.

هنگامی که می‌بینم دانشگاهی مانند دانشگاه شیراز با پیشینه‌ای نزدیک شصت سال، راهی نو را در پیش روی حج‌روندگان نمی‌گذارد و خود را از زندگی مردم کنار می‌کشد، افسوس می‌خورم. از دیدگاه نگارنده، حج رخدادی است که بر بسیاری از رفتارهای اقتصادی، کشوری (سیاسی)، فرهنگی و کار و پیشه‌ی ایرانیان سایه افکنده است و دانشگاه و اندیشمندان

آن باید پیام و نگرش خود درباره‌ی این پیش آمد را به هم میهنان برسانند. این رفتارهای نامهربانانه، دانشگاه را از پیکره‌ی زندگی مردم جدا می‌کند که به سود هیچ کس نیست.

دروود فراوان به آقای مهندس وحید فروردین، کارشناس ارشد صنایع هوافضای کشور، برای باری با ارزششان، در پیدا کردن و جای‌گزینی واژه‌های فارسی، بدون کمک‌های اندیشمندانه و بردبارانه‌ی ایشان کار فارسی‌سازی کتاب بدین گونه انجام شدنی نبود. کار ایشان به نگارنده آموخت که در همه جای این سرزمین پهناور و در رشته‌های گوناگون دوستداران زبان و فرهنگ فارسی فراوانند. آقای سید محمد هادی حسینی دبیر گرامی زبان فارسی دبیرستان‌های شیراز، سید عبدالعلی هاشمی دبیر زبان فارسی دبیرستان‌های شهر، جناب ارسنجان و سیدحسن ناظم‌السادات کارشناس و مدرس ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی ارسنجان برای ویرایش ادبی و دیگر راهنمایی‌های بزرگوارانه‌ی آن‌ها سپاس‌گزارم. ر آقای دکتر کاووس حسینی استاد گرامی بخش ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، و نیز استاد ارجمندم در دوران دبیرستان، جناب آقای منوچهر فتوت دبیر پر پیشینه دبیرستان‌های شیراز و راهنمایی‌های آن‌ها بهره فراوان بردم سپاسگزاری می‌کنم.

برای خواندن این نوشتار را، مودهای ارزشمندشان، سپاسدار فراوان آقایان سید اسدالله ناظم‌السادات (برادرم)، سید - بی - نعمت الهی، محمد فروردین، سید مهدی نقه‌الاسلام، سید حسین موسوی و علی اکبر رحیم می‌باشم. کسان بیشتری، به گونه‌ای، مرا در نوشتن این نگارش یاری داده‌اند که بردن نام آن‌ها بدنی نیست و فروتنانه تندرستی و شادکامی آن‌ها را از درگاه خدای بزرگ آرزومندم.

از همسرم پروانه حسن شاهی و فرزندانم الهام، زهرا، سید که در انجام این کار، پیوسته یار و یاورم بوده‌اند سپاس‌گزاری می‌کنم.

در پایان از ناشر توانا و فرهنگ دوست شیراز جناب آقای زید بن زید گویی برای راهنمایی ارزنده‌اشان و نیز چاپ کتاب، از ته دل، درود می‌فرستم. آرزو دارم که این چهره فرهنگی سرزمین فارس، هر چه بیشتر و بهتر، در گسترش فرهنگ و ادب ایران زمین سربلند و پیروز باشند.

پیش از سفر

پس از نزدیک پنج سال، چشم به راهی، در ساعت یک بامداد چهارشنبه هفتم آذر ماه سال ۱۳۸۶ خورشیدی برابر با ۲۱ ذی قعدة ۱۴۲۸ قمری به همراه همسر با کاروان حاج زین العابدین عرب از شیراز رخصت شدیم. سازمان حج و زیارت، هزینه سفر را برابر دو میلیون و سی و سه هزار تومان، نزدیک به دو هزار و دویست دلار ایالات متحده آمریکا (۲۰۳۳۰۰۰ تومان برابر با ۲۲۰۰ دلار) برای آن سال برآورد کرده بود. سود سپرده‌ی هر یک میلیون تومان واریزی در گذر پنج سال، نزدیک به هفتصد و شصت و سه هزار (۷۶۳۰۰۰) تومان برآورد شده بود. بنابراین با پرداخت نزدیک به دویست و هفتاد هزار تومان (۲۷۰۰۰۰ تومان) سود برای هر نفر، در یکی از کاروان‌های پیشینه‌دار شیراز، نام‌نویسی کردیم. افزون بر این، هزینه‌های خرید قربانی به میزان نود و هشت هزار (۹۸۰۰۰) تومان، کلاس آموزشی به میزان سی و سه هزار (۳۳۰۰۰) تومان و مایه‌کوبی (واکسن زدن) به میزان ده هزار (۱۰۰۰۰) تومان برای هر نفر را جداگانه پرداخت کردیم.

نرخ سودی که بانک ملی ایران برای سپرده‌گذاری حج پرداخته است، نزدیک به ۱۳٪ بود که در سنجش با بازار آزاد کم به چشم می‌آید. نمی‌دانم که دریافت پول، چند سال پیش از سفر حج و پرداخت سود به این سپرده چه اندازه با منش و روش اسلامی سازگار است؟ افزون بر این، چون درخواست مردم

برای سفر حج تمتع بسیار بیشتر از سهمیه‌ی سالانه‌ی حاجی‌های ایرانی‌ست، نمی‌دانم چگونه می‌توان رفتار کرد که هم گمان ربا به وجود نیاید و هم مردم بتوانند با نوبت بندی درست، روانه‌ی سفر حج شوند؟ شاید از آزموده‌های دیگر کشورهای مسلمان نیز بتوان بهره جست.

از نزدیک دو ماه پیش از سفر، چندین کلاس آموزش آئین حج در دانشکده‌ی علوم قرآنی شیراز برگزار شد. در این کلاس‌ها دو نفر روحانی گرامی کاروان، احکام و چگونگی آیین حج را آموزش می‌دادند. داشتن مرجع تقلید و پیروی از دستورهای ایشان هنگام حج و نیز چگونگی کاربرد مهر هنگام نماز، و پرداخت خمس و زکات از دیگر سخن‌هایی بود که بر روی آن پافشاری می‌شد. گفته شد که سنت فرستادن ایات الحرام و یا مسجد پیامبر می‌تواند جای‌گزین مهر نماز شود. در این نشست‌ها، کارگردان (مدیر) کاروان نیز درباره‌ی هنگام پرواز و چگونگی رفتار هم‌کاروان با یک‌دیگر سخن‌رانی می‌کرد. تلاش شد تا هم اتاقی‌ها یک‌دیگر را برگزینند و از همین جا آیین هم‌یاری را به‌جا آورند.

من و آقایان مهندس سید محمود محمدی و دکتر سیف‌الله امین از همین جا هم‌خانه شدیم. آقای مهندس موسوی را از دوران کودکی که در ارسنجان بودیم، می‌شناسم و آقای دکتر امین هم همکار عزیز من در بخش مهندسی آب دانشکده‌ی کشاورزی هستند. شمار هم‌خانه‌ها را هنوز نمی‌دانم، ولی کارگران کاروان می‌کوشید تا آن‌ها را بیشتر از پیش‌بینی خود بگویند. او می‌خواست تا آن‌جا که دینه یا مکه رخ می‌داد بهتر از انتظار کسان کاروان باشد. کلاس‌ها این سود را داشت که با هم‌کاروانی‌ها آشنا شدم و با برخی از آن‌ها پایه‌های دوستی نهاده شد.

همراه همسرم، حوله‌های احرام، کیف، دم‌پایی و دیگر نیازمندی‌های سفر حج را از فروشگاه‌ی در نزدیکی بازار وکیل شیراز خریدیم. همه‌ی پارچه‌های چادری و کت و شلوار را که باید پس از برگشت، سوغات می‌دادیم نیز، از فروشگاه‌های شیراز خریداری شد. خرید سوغاتی پیش از سفر، افزون بر کمک به اقتصاد کشور، مسافر را آسوده‌دل و سبک‌بال می‌کند.

تا چند روز پیش از پرواز، کسی هنگام آن را به درستی نمی دانست. پس از چند روز چشم به راهی، آگاهی دادند که ساعت یک بامداد روز چهارشنبه ۸۶/۹/۷ با اتوبوس از دانشکده‌ی علوم قرآنی در بلوار شهید مطهری (زرگری) شیراز، راهی فرودگاه می شویم. کیف‌ها را یکی دو روز پیش به کارگزاران کاروان سپرده بودیم. شامگاه روز سه‌شنبه ۸۶/۹/۶ بسیاری از بستگان، مهربانان، برای پسواز (بدرقه) به سرای ما آمدند. در پایان شب، با همراهی این بزرگواران، راهی دانشکده‌ی علوم قرآنی شدیم. هنگامی که به آن جا رسیدیم، اتوبوس‌ها آماده‌ی رفتن بودند. به تندی سوار و راهی فرودگاه شیراز شدیم.

کرایه‌ی رایسته به گذرنامه به خوبی انجام شد و هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران یک چهارصد مسافر و پس از نزدیک به چهار ساعت پرواز به هنگام برآمدن آفتاب، در فرودگاه مدینه به زمین نشست. پس از پیاده شدن و انجام کارهای گذرنامه، به درون خودروهایی به مزد کرایه شده راهنمایی شدیم. دست‌اندرکاران کاروان نیز، چمدان‌ها را از هواپیما به آن خودروها رساندند. در همین گیرودار، تنی چند که سیم کارت‌های تلفن را با بهای گوناگونی فراتر از قیمت اتوبوس آمدند و سوداگری را آغاز کردند. برخی از همراهان با خرید یک کارته با بستگان خود در ایران گفت‌وگو کردند.

پنج‌شنبه ۸۶/۹/۸ (۱۸ ذی‌قعدی ۱۴۲۸)

از دیروز با آقای دکتر امین و مهندس موسوی در مهمان‌سرای روضه الدخیل مدینه، در یک خانه‌ی (اتاق) سه تخته‌ی پاکیزه و جادار، جای گرفتیم. دوری ما از مسجد پیامبر کمتر از ده دقیقه راه‌پیمایی بود و از درون خانه‌ی ما به کستان بقیع دیده می‌شد. چون بسیار خسته بودم، روز چهارشنبه بیشتر به آرامیدن و یک زیارت کوتاه گذشت. در این روز چیزی یادداشت نکردم.

بامداد امروز با گلبانگ نماز (اذان) از خواب بیدار شدیم. پیش از همه آقای دکتر امین از خواب بیدار شده بودند و یک لباس زیبا و پاکیزه‌ی بلوچی را به تن داشتند. ایشان یادآور شدند که برنامه‌ی حج یک سفر زیارتی تنها نیست و مانند بودن در یک گردهمایی یا همایش رسمی است. از این روی، نیاز است لباس خود را همچون هنگام